

بررسی نقوش جانوری و «جانوران ترکیبی» در آثار سنگی تمدن جیرفت

زهرا حسین آبادی*

استادیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران
تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۶/۳۰، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۴/۱۱/۱۲

چکیده

تمدن جیرفت، از تمدن‌های کهن فلات ایران در حوزه هلیل‌رود است. ظروف و اشیای به‌دست‌آمده از این منطقه نه‌تنها بیانگر فرهنگ و تمدن غنی این سرزمین است، بلکه به دلیل داشتن تصاویر زیبا و بدیع، از ظرفیت‌های درخور ملاحظه برای پژوهش در مورد شیوه زندگی و فرهنگ رایج در میان مردم این منطقه برخوردار است. هدف از این پژوهش، معرفی، شناخت و بیان نمادین موجودات تصویرشده روی ظروف سنگی جیرفت است. بنابراین، در این پژوهش که به شیوه توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای تدوین شده است، با این فرض که شیوه پردازش این نقش‌ها، متأثر از طبیعت و نگرش مذهبی و دینی مردم جیرفت است، تعدادی از نقوش حیوانی و انسانی حک‌شده روی ظروف سنگی بررسی شده است. نتیجه این پژوهش، حکایت از تأثیر درخور ملاحظه شیوه زیست و تفکر مردمان باستانی جیرفت بر نحوه طراحی برخی از نقوش خاص از جمله نقوش حیوانی، انسانی و نقوش جانوری ترکیبی دارد. این نقوش، نوعی تخیل خلاق را به نمایش می‌گذارند؛ تخیلی که سبب شکل‌گیری تصاویری شده است که می‌توان آن‌ها را نتیجه باورهای فکری مردم این سرزمین دانست.

واژگان کلیدی

جانوران ترکیبی، جیرفت، ظروف سنگی، نقوش حیوانی.

مقدمه

حیوانی و انسانی تعدادی از این ظروف سنگی بررسی شده است. سؤالات مهمی که در این تحقیق به آن‌ها پرداخته می‌شود، عبارت‌اند از: نقش مایه‌های به‌کاررفته روی ظروف جیرفت، نماد و سمبل چه چیزی است و هدف از ترسیم آن‌ها بر روی این آثار چه بوده است؟

این پژوهش از نوع نظری و شیوه تحقیق توصیفی-تحلیلی است. گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و اسنادی صورت گرفته است. برای دستیابی به نتیجه بهتر، این پژوهش در دو بخش کلی تدوین شده است. در بخش اول، برای آشنایی بیشتر با حوزه تمدن هلیل‌رود، به معرفی منطقه جیرفت پرداخته شده است. بخش دوم نیز به مطالعه نقوش حیوانی و انسانی به‌دست‌آمده از این منطقه اختصاص دارد.

فلات ایران به دلیل ویژگی‌ها و شرایط خاص طبیعی و اوضاع جغرافیایی، از دیرباز از کانون‌های تمدن جهان شناخته می‌شود. یافته‌های باستان‌شناسی اخیر این سرزمین، حکایت از وجود تمدنی عظیم در منطقه هلیل‌رود دارد. اشیاء و ظروف سنگی به‌دست‌آمده از این تمدن که حاوی نقش‌مایه‌های متنوعی هستند، از حیث شیوه پردازش نقوش اهمیت خاصی دارند. این نقوش که بازتاب تفکر اساطیری پدیدآورندگان خودند، ویژگی‌های خاصی دارند که تلاش بی‌وقفه انسان باستانی را برای تسلط بر محیط و نیروهای طبیعی نمایان می‌سازد. لذا در این پژوهش با فرض اینکه نگرش مذهبی و دینی مردم جیرفت در شیوه پردازش این نقوش تأثیر شایان ملاحظه‌ای گذاشته است، نقوش

پیشینه پژوهش

است. کنارسندل در جنوب شرق ایران، در فاصله بیش از ۱۵۰۰ کیلومتری تهران و حدود ۱۰۰۰ کیلومتری جنوب بین‌النهرین، یعنی جنوب عراق امروزی قرار دارد. حفاریات نشان می‌دهد در کنارسندل، نه با دو تپه و دو مجموعه معماری متفاوت و مجزا از هم، بلکه با مجموعه یکپارچه و گسترده‌ای از آثار باستانی با ویژگی‌های شهری وسیع روبه‌رو هستیم. شهری متشکل از بناهای عمومی، خانه‌ها، باغ‌ها و نخلستان‌های فراوان به وسعت صدها هکتار که شاید مرکز منطقه جیرفت یا پایتخت پادشاهی «آرت» باشد.

در برخی متون کهن و باستانی به دو حکومت غنی و ثروتمند آرت و مرهشی اشاره شده است که برخی از محققان، جنوب شرق ایران را برای این دو شهر مکان‌یابی کرده‌اند (پیران و حصار، ۱۳۸۴: ۲). چه این فرضیه اثبات شود و چه نشود، جیرفت راهنمای مناسبی برای دورانی خواهد بود که خط برای اولین بار در آنجا شکل گرفته و بازرگانان در آن طلا، لاجورد و ادویه‌جات را از سند به نیل منتقل می‌کردند (کاوینگتون، ۱۳۸۶: ۳۹). توزیع ظروف سنگی از نوع کلوریت در سرتاسر خاورمیانه از رود فرات تا دره سند می‌تواند نشانه‌ای از شعاع ارتباطی این تمدن با فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر در نیمه نخست هزاره سوم پیش از میلاد به شمار آید (رفیع‌فر، ۱۳۸۶: ۴۶). این دوره برای شکل‌گیری تمدن شرق بسیار مهم، حیاتی و سرنوشت‌ساز بوده است. بعضی از موضوعات تصاویر جیرفت از جمله «تسلط بر حیوانات» (ارباب حیوانات)، بسیار قدیمی

بررسی‌های صورت‌گرفته برای یافتن پژوهشی مستقل درخصوص مطالعه نقوش جانوری و «موجودات ترکیبی» در آثار سنگی تمدن جیرفت، نتیجه‌ای در بر نداشت. این موضوع حاکی از آن است که در اندک پژوهش‌های صورت‌گرفته در این زمینه، موضوع نقوش جانوری و جانوران ترکیبی، کمتر اقبال داشته است. در مورد اطلاعات کتاب‌شناختی مرتبط با این موضوع می‌توان به نتایج بررسی‌های باستان‌شناسی منطقه جیرفت اشاره کرد. از کتاب‌های معروف و پُراستناد، کتاب‌های مربوط به تمدن و آثار جیرفت تألیف یوسف مجیدزاده هستند. کتاب **جیرفت، کهن‌ترین تمدن شرق** (۱۳۸۲) از مجیدزاده که در آن به چگونگی کشف تمدن هلیل‌رود پرداخته شده است، کاتالوگی از مجموعه آثار این تمدن و چاپ موزه ملی است (۱۳۸۴). در این کتاب، شرحی از اکتشافات صورت‌گرفته در این منطقه نگاشته شده و حاوی تصاویر بسیار زیبایی از آثار این منطقه است. همچنین می‌توان به مجموعه مقالاتی مانند «تصویرشناسی جیرفت» (۱۳۸۷) و «نگاهی به نقوش بازمانده از جیرفت» (۱۳۸۶) اثر ژان پرو و کتاب **هنر عصر مفرغ در ایران** (۱۳۹۲) نوشته هالی پیتمن اشاره کرد.

۱. تمدن جیرفت

شهرستان جیرفت در جنوب استان کرمان و در بستر رودخانه هلیل‌رود قرار گرفته است. هلیل‌رود را می‌توان از عوامل اصلی شکل‌گیری فرهنگ و تمدن جیرفت دانست. آثار باستانی کشف‌شده از این تمدن، غالباً مربوط به منطقه کنارسندل

سنگی که در جیرفت استفاده می‌شد، به رنگ خاکستری با دانه‌های براق سبز بود. این سنگ نرم و کارکردن روی آن آسان است؛ هرچند دارای سطحی خشن است. این نرم‌بودن به ایجاد تزیین برجسته بر روی آن می‌انجامید. همچنین تزیینی که اغلب با نشاندن سنگ‌هایی به رنگ‌های فیروزه، آبی کبود و لاجورد و مانند آن جلوه خاصی می‌یافت، یعنی تکنیک نقش برجسته روی زمینه صاف، حدود ده‌هزار سال پیش در دوره پارینه سنگی در اروپا و خاورمیانه متداول بوده است. این روش احتمالاً بعدها در بین‌النهرین و ایران، با نخستین مهرهای استوانه‌ای احیا شده است که اثر نقشی را که بر خود دارند، به‌صورت برجسته روی گل رس برجا می‌گذارند (پرو، ۱۳۸۷: ۲۹۰). فرم‌های اصلی ظروف سنگی جیرفت از فنجان‌های پایه‌دار، ظروف بلند با لبه برگشته و ظروف کوچک استوانه‌ای تشکیل شده است یا به شکل سنگ بریده‌شده‌ای با قطر ۳ یا ۴ سانتی‌متر هستند که به شکل‌هایی همچون کیف دستی یا «تخته بازی» با ۲۰ خانه کوچک برای مهره طراحی شده‌اند. این تخته بازی به شکل جانوری (عقاب، عقرب و مانند آن) ساخته شده است (پرو، ۱۳۸۷: ۲۹۰). نمونه‌هایی از این ظروف را می‌توان در جداول مشاهده کرد.

۱.۲. نقوش استفاده‌شده برای تزیین آثار سنگی

به‌طور کلی، می‌توان موضوعات نقش‌شده بر روی آثار جیرفت را به چند دسته تقسیم کرد:

۱. موضوعاتی که از اقلیم گیاهی این سرزمین نشئت گرفته است، مانند نقش گیاهان که شامل درختچه‌های کوتاه، بوته‌ها و نخل‌ها می‌شوند؛
۲. موضوعاتی که برگرفته از حیات وحش منطقه است، مانند نقوش حیوانات وحشی (عقاب، مار، پلنگ، شیر و عقرب) و حیوانات اهلی (بز کوهی و گاو کوهان‌دار)؛
۳. در برخی نقوش، گیاهان و حیوانات با هم به تصویر کشیده شده‌اند؛

۴. نمای باروی شهرها؛

۵. موضوعات الهام‌گرفته از اعتقادات مردم، مانند نقوش موجودات افسانه‌ای و هیولاها؛

۶. نقش انسان که در برخی نقوش در حال رام‌کردن حیوانات وحشی یا در حال نوازش حیوانات اهلی نشان داده شده است.

موضوع درخور توجه در طراحی نقوش انسانی و حیوانی آن است که در بیشتر ظروف جیرفت، تقریباً تمامی نقش‌ها و بدن موجودات به‌ویژه چشم‌ها «سنگ‌نشانی» شده است. در این سنگ‌نشانی، چشم‌ها در جانوران وحشی و گوشت‌خوار مانند عقاب، مار، پلنگ و شیر، گرد و در جانوران اهلی و

است و این موضوع از اواخر هزاره پنجم قبل از میلاد در ایلام و به‌ویژه شوش هم شناخته شده بود (پرو، ۱۳۸۶: ۷۴). وجود کوه‌های بلند همراه با معادن گوناگون طبیعی مانند مس و انواع سنگ‌های صابونی کلوریت، فیروزه، عقیق و سنگ لاجورد، نیز دشت‌های وسیع و حاصلخیز، این منطقه را به یکی از حوزه‌های مهم فرهنگی و کانون‌های مهم اقتصادی-صنعتی شرق باستان تبدیل کرده بود. مطالعه منابع تاریخی و جغرافیایی نشان از توجه مورخان و سیاحان به این منطقه دارد. آن‌ها در آثار خویش، جیرفت را منطقه‌ای گسترده و حاصلخیز در استان کرمان معرفی کرده‌اند (صفا، ۱۳۹۰: ۶۳). اما کاوش‌های باستان‌شناسی اخیر که به کشف پیشینه پرشکوه و درخشان این تمدن انجامید، حکایت از اهمیت تمدن جیرفت در دوران باستان دارد؛ «به‌طوری که نه تنها سازندگان این آثار قادر به تولید انواع و اقسام ظروف و ابزارهای متنوع بودند، بلکه توانایی آن را نیز داشتند که با ایجاد ارتباط مستمر با تمدن‌های ایلام و بین‌النهرین در غرب و سایر فرهنگ‌های موجود در مناطق جنوبی خلیج فارس و افغانستان و شبه‌قاره هند، دستاوردهای فرهنگی و صنعتی خود را به این سرزمین‌ها صادر کنند» (مجیدزاده و سرلک، ۱۳۸۱: ۸-۶).

یکی از کالاهای مهم تولیدشده در تمدن جیرفت، ظروف سنگی است که به علت داشتن ویژگی‌های هنری از جمله استفاده از فرم‌های زیبا در طراحی بدنه ظروف و استفاده از نقش‌مایه‌های متفاوت، بسیار درخور توجه است. بررسی این نقوش، بیانگر مهارت سازندگان این آثار در استفاده از عناصر طبیعی محیط به‌عنوان موتیف‌های تزیینی است؛ به‌طوری که بسیاری از نقش‌مایه‌های ترسیمی تکراری بر روی ظروف، مانند نخل خرما، مار و عقرب، دقیقاً بازتابی از گیاهان و جانوران این منطقه است.

۲. آثار سنگی جیرفت

سنگ چخماق که به مقدار فراوانی در رسوبات آهکی هلیل‌رود وجود دارد، از مصالح اصلی ساخت ظروف سنگی جیرفت است که به لحاظ رنگ، نوع و کیفیت، به‌راحتی از دیگر سنگ‌های این منطقه شناسایی می‌شود و همراه با سنگ صندل به کار می‌رود. سنگ‌های چخماق به‌کاررفته در کنار صندل از نوع دانه‌ریز و بسیار مرغوب هستند که عمدتاً از رنگ‌های سیاه خاکستری، کرم، قهوه‌ای روشن و قهوه‌ای تیره تشکیل شده‌اند. کیفیت فراوان این نوع سنگ باعث شده است صنعتگران بتوانند با به‌کار بستن تکنیک‌های بسیار دقیق و در عین حال پیچیده، ادوات و ابزارهای بسیار ظریف و کارآمدی را تولید کنند (مجیدزاده، ۱۳۸۲: ۱۱۷).

۲.۲. نقوش حیوانی

در فهرست شمایل‌شناسی آثار کشف‌شده از تمدن جیرفت، بخش بزرگی به بررسی جانورانی همچون گاو کوهان‌دار، بز کوهی (که به نظر می‌رسد در مسیر اهلی شدن قرار دارد)، شیر، پلنگ، عقاب، عقرب (کژدم)، مار، روباه، خرس و ماهی اختصاص یافته است. تمامی این گونه‌های حیوانی در جیرفت، حوزه محیط زیست ویژه خود را دارند و گزینش آن‌ها ظاهراً تحت تأثیر مشاهده و ویژگی غالبی در طبیعت آن‌ها بوده است.

۲.۲.۱. حیوانات وحشی

تصاویر عمده نقش‌شده از حیوانات وحشی عبارت‌اند از: مار، پرنده‌گان شکاری، کژدم (عقرب)، شیر و روباه.

گیاه‌خوار مانند بز کوهی و گاو و انسان بیضی است. سنگی که در چشم‌ها نشانده شده، از جنس سنگ مرمر یا آهکی سفید یا فیروزه است. در نمونه‌هایی نیز سفیدی چشم پلنگ‌ها از سنگی به رنگ اخرا و سیاهی چشم با فیروزه کار شده است. این در حالی است که در نقوش برجسته سومری و به‌طور کلی، در بین‌النهرین در هیچ‌یک از نقش‌مایه‌های انسانی و جانوری طی هزاره‌های چهارم و سوم قبل از میلاد، از تزیین سنگ‌نشانی استفاده نشده و اگر چنین نمونه‌هایی هم موجود بوده یا در آینده به دست می‌آید، باید به جست‌وجوی خاستگاه آن در جایی دیگر در ایران و به احتمال قریب به یقین، در کرمان پرداخت (مجیدزاده، ۱۳۸۲: ۳).

جدول ۱. شیوه تصویرگری حیوانات وحشی

توضیحات	نمونه‌هایی از اشیای سنگی جیرفت	حیوانات وحشی
<p>مار یکی از نقش‌مایه‌های حیوانی پرتکرار و رایج بر روی ظروف سنگی جیرفت است. نقش دو مار به هم پیچیده و خشمگین که با دهان‌های باز در مقابل هم قرار گرفته‌اند، اغلب با استفاده از سنگ‌های رنگی و سفید، سنگ‌نشانی شده است.</p>		مار
<p>در آثار مکشوفه از جیرفت، این حیوان با بدنی پوشیده از مو که تا روی دمش کشیده شده، نمایش داده شده است.</p>		شیر
<p>در تصاویر جیرفت، عقاب پرنده‌ای شکاری بوده که اغلب به به‌تنهایی در حال پرواز است یا به‌سرعت به سوی لاشه برخی نشخوارکنندگان مانند بز و گاو در حال فرود است که به پشت افتاده‌اند. گاهی اوقات تصویر این پرنده از روبه‌رو با بال‌هایی گسترده، دم باز شده به شکل بادبزنی و چنگال‌هایی فرورفته در بدن مار نمایش داده شده است. سر این پرنده از زاویه نیم‌رخ و بینی‌اش به‌صورت خمیده به تصویر کشیده شده است.</p>		عقاب

ادامه جدول ۱. شیوه تصویرگری حیوانات وحشی

توضیحات	نمونه‌هایی از اشیای سنگی جیرفت	حیوانات وحشی
<p>در تصاویر مربوط به پلنگ، این حیوان در حال مبارزه با ماری است که قصد دارد با حلقه‌هایش این حیوان را محصور کند. در مقابل، پلنگ در برابر انسانی که قادر است او را از روی زمین بلند کند و به صورت واژگون بر روی انگشتان و بالای سر نگه دارد، مقاومت کمتری نشان می‌دهد.</p>		پلنگ
<p>در اغلب این تصاویر، کرکس‌ها به صورت وارونه در زیر درخت یا زیر پای حیوانات دیگر از جمله قوچ نشان داده شده‌اند.</p>		کرکس
<p>در تصاویر مربوط به کژدم، سر این حیوان با شکمش یک تکه است و به صورت جزئی از شکم طراحی شده است. از سر، دو بازو خارج شده و در انتهای هر بازو، تصویری انبرشکل وجود دارد. شکم این حیوان هفت حلقه و دمش شش قطعه است و آخرین قطعه دم که سرکج است، نیش آن قرار دارد. در هر قسمت از تنه، چهار پا وجود دارد که بسیار ظریف و نازک است. اسکلت بدن این حیوان با شیارهایی راست، موج یا ردیف‌هایی زیگزاگ به تصویر کشیده شده است.</p>		کژدم
<p>روپاه در ظروف سنگی جیرفت اغلب در کنار جانوران دیگر ترسیم شده است.</p>		روپاه

به یکدیگر در دو سوی درختی به حالت کاملاً قرینه یا بر روی پاهای جلو ایستاده‌اند و قصد خوردن شاخ و برگ درخت را دارند.

۲.۲.۲. حیوانات اهلی

صحنه جانوران شاخ‌دار گیاه‌خوار که در صلح و آرامش در مرغزارها به چرا مشغول‌اند، نقش‌مایه متداولی در جیرفت است. در این صحنه‌ها اغلب دو بز کوهی را می‌بینیم که رو

جدول ۲. شیوه تصویرگری حیوانات اهلی

توضیحات	نمونه‌هایی از اشیای سنگی جیرفت	حیوانات اهلی
بزهای کوهی بر ظروف سنگی جیرفت در طبیعی‌ترین و زیباترین شکل ممکن ظاهر می‌شوند؛ بز که هر چهار پایش بر زمین قرار دارد و خمیدگی شاخ‌هایش رو به بالاست، بز که یکی از پاهای پیشین را از زمین بالا آورده، بز که روی دو پای عقب ایستاده و یکی از پاهای پیشین را تا نزدیکی پوزه بالا آورده یا اینکه آن را روی شاخه درخت قرار داده است و بزهایی که در دو ردیف و در دو جهت مخالف، از چپ به راست و از راست به چپ و در حالات گوناگون قرار دارند. در این صحنه‌ها گونه‌های متفاوتی از بزهای کوهی را می‌توان از شکل شاخ‌هایشان تشخیص داد.		بز
قوچ‌ها در تصاویر جیرفت به حالت نشسته یا در حال استراحت یا در حال تغذیه تصویر شده‌اند.		قوچ
در تصاویر جیرفت، گاوها زمانی که نخوابیده‌اند، با طناب به درخت بسته شده‌اند. چنبره‌هایی که بر روی پاهای این چهارپایان وجود دارد، چیزی شبیه روبان یا انبوهی از پشم است. در بعضی از تصاویر نیز می‌توان لاشه گاو کوهان‌دار جوانی را در برابر پای جانوری وحشی مشاهده کرد.	 	گاو

اساطیر، شباهت و ارتباط چشمگیری میان عناصر تشکیل‌دهنده انسان و عناصر متشکله کائنات وجود دارد. از سوی دیگر، تصاویر ترکیبی «انسان-جانور» بیان‌کننده برخی از اعتقادات مردم باستان درباره خداوند است. به تصور آنان، خداوند موجودی است شبیه انسان و در عین حال، متفاوت با او و دارای قدرتی به مراتب والاتر. آنان برای تجسم باور خود، خداوند یا موجودات ماورایی را با تصاویر «انسان-

۳.۲.۲. موجودات ترکیبی

انسان-جانورها بخش بزرگی از موجودات ترکیبی را تشکیل می‌دهند که به صورت‌های «انسان-عقرب»، «انسان-گاو»، «انسان-شیر»، «یوزپلنگ» و... شناسایی می‌شوند. این امر که در اساطیر و تمدن‌های اولیه بشری نیز به کرات دیده می‌شود، بیان‌کننده آن است که در نگاه اقوام پیشین، انسان ترکیب یا هم‌نهادی از جهان است. بر اساس بسیاری از

خود را به زینت آلات آراسته‌اند و معمولاً میان دو پلنگ یا دو مار قرار گرفته‌اند. «روزگاری چنین تصور می‌رفت که تصاویر یک موجود زیان‌کار، دارای قدرت جادویی دفع خود این موجود زنده (و دیگر زیان‌کاران) را دارد و این شاید، نماد دوجانبه کژدم را توجیه کند» (هال، ۱۳۸۰: ۸۲).

با توجه به اینکه قسمت فوقانی بدن، ارزشمندتر و شریف‌تر از قسمت پایین شناخته شده است، تصویر سر حیوانی که خود مقدس و احتمالاً توتّم بوده، به جای سر انسان، می‌تواند بیان‌کننده نکته‌ای فرهنگی و ارزشی باشد. مثلاً «انسان-عقرب»، نمادی از رهبر معنوی و معلم انسان‌ها و «انسان-شیر» نمادی از قدرت و پادشاهی و «انسان-گاو» نمادی از مفیدبودن فرد برای خود و جامعه خویش باشد (صرفی، ۱۳۸۳: ۷۱).

جانور» نشان داده‌اند. بشر برای دستیابی به بینشی تزیینی درباره خداوند، از چندین مرحله گذشته که یکی از این مراحل، مرحله تصور ترکیبی است (صرفی، ۱۳۸۳: ۷۰). همچنین انگاره «انسان-جانور» که در تمدن جیرفت غالباً پاها و نیم‌تنه پایین به صورت انسان و سر به صورت جانور نشان داده شده است، احتمالاً می‌تواند بیان‌کننده آن باشد که منظور آن‌ها انسان‌هایی است با قدرت و توانمندی حیواناتی مانند عقرب، شیر، گاو و نظایر آن. در این نقوش، مرد با حیوانی ترکیب شده و موجودی تخیلی را می‌سازد. این ترکیب معمولاً از اطراف کمر آغاز می‌شود و رشدیافته‌ترین آن‌ها، ترکیب «انسان-عقرب» است. در این موجودات، جنبه انسانی همیشه غالب است و بخش جانوری آن‌ها اغلب به پنجه‌های چنگال‌دار محدود شده است. همه این موجودات

جدول ۳. نمونه‌هایی از شیوه تصویرگری موجودات ترکیبی (انسان-حیوان): «عقرب-انسان» تنها موجودی است که به صورت تنها، رودرو یا ردیفی نشان داده شده است.

انسان-حیوان	نمونه‌هایی از اشیای سنگی جیرفت	توضیحات
انسان-گاو		<p>بر روی این ظرف، انسان-گاو را می‌بینیم که با هر دست پلنگی را از دم گرفته و آن‌ها را به هوا بلند کرده است. این موجود ترکیبی، از قسمت بالاتنه انسان و پایین‌تنه یک گاو نر است. وی شال پهنی به دور کمر بسته و مچ‌بندهایی بر مچ پا دارد.</p> <p>شکارچیان که اعتقاد بر این بود قدرت گاو و چابکی شیر را دارند، وارد اسطوره‌ها شده‌اند و تصویر آن‌ها به صورت مرد گاونما (گاو-انسان) و شیرنما (شیر-انسان) درآمده است (کاوینگتون، ۱۳۸۶: ۳۹).</p>
انسان-شیر		<p>تصویر انسان-شیرهایی که در حال ستیز با انسان-عقرب‌ها هستند، نمونه‌ای از تلاش انسان‌های جیرفت برای به عاریت گرفتن قدرت و زورمندی جانوران قوی را از سوی انسان‌های باستانی برای مرعوب کردن قوای سهمگین سایر جانوران نشان می‌دهد.</p>

ادامه جدول ۳. نمونه‌هایی از شیوه تصویرگری موجودات ترکیبی (انسان- حیوان): «عقرب- انسان» تنها موجودی است که به صورت تنها، رودرو یا ردیفی نشان داده شده است.

توضیحات	نمونه‌هایی از اشیای سنگی جیرفت	انسان- حیوان
تصویر ارباب حیوانات به صورت مردی پلنگ‌نما که با هر دست پلنگی را گرفته و آن‌ها را تحت کنترل خود دارد.		انسان- پلنگ
عقرب- انسان یکی از چندین پهلوان فوق طبیعی است که بر سطح ظروف سنگی کنده‌کاری شده است. این موجود اغلب در ردیف‌های افقی بر بدنه ظرف استوانه‌ای شکل ظاهر می‌شود. گاهی شخصیت فوق طبیعی آن از طریق وجود شاخ‌های الهی بر سر مشخص شده است.	  	انسان- کژدم (عقرب)
پیکره‌ای با سر، بازوان و بالاتنه انسان و پایین تنه دم ماهی.	 	انسان- ماهی

مانند پلنگ‌ها، مارها و انسان- عقرب‌ها را در کنترل دارند (مجیدزاده، ۱۳۸۲: ۴) (تصاویر ۱ و ۲).

ب) حمایت‌گرایانه: در بسیاری از تصاویر، انسان در حال رام کردن یا نوازش کردن یک حیوان است (جدول ۳، آخرین تصویر، انسان- ماهی) این موضوع غالباً در تصاویر مربوط به جانوران اهلی و به خصوص گاو مشاهده می‌شود. در برخی از صحنه‌ها نیز پیکره‌های انسانی در حال غذا دادن به این موجودات هستند (تصویر ۳).

۳.۲. انسان‌ها، حیوانات و روابط متقابل بین آن‌ها

نقش انسان در مقابل حیوانات در اکثر صحنه‌ها در سه موضوع عمده تشخیص داده می‌شود:

الف) ستیز و مقابله (ارباب حیوانات): روی ظروف جیرفت نه تنها مکرراً به نقش‌مایه ارباب حیوانات برمی‌خوریم، بلکه ارباب یا رام‌کننده، در ظرف‌ها به صورت انسان- گاو، انسان- شیر و انسان- پلنگ ظاهر می‌شود. این موجودات انسانی یا هیولایی، انواع گوناگون جانوران وحشی



تصاویر ۱ و ۲. تصویر ۱، ظرف بالایی، انسان- گاو که دو پلنگ را واژگونه در دست دارد. تصویر ۲، طرح ظرف استوانه‌ای با نقش شیر- انسان‌هایی که عقرب-انسان‌ها و مارها را در کنترل دارند و پهلوانی که پلنگ‌ها را به کنترل درآورده است. مأخذ: (بیتمن، ۱۳۹۲: ۴۷).

انسان- عقرب با انسان- عقرب (تصویر ۴) و انسان- شیر با مار از نمونه‌های شاخص موجود هستند.

۴.۲. مفاهیم نمادین نقوش جانوری جیرفت

۴.۲.۱. مار

مار یکی از نمادهای حیوانی قدیمی، پیچیده و مهم است (Tresidder, 1998: 184). حالت موجی شکل بدنش، موج آب را تداعی می‌کند و از این لحاظ که پیدا و ناپیدا می‌شود، با ماه در ارتباط است. مار نگهدار چشمه‌های آب حیات، بی‌مرگی، قداست و همه نشانه‌ها و علائم مربوط به زندگی، باروری، قهرمانی، بی‌مرگی و گنجینه‌ها به شمار می‌رود. در واقع به دلیل همین باورهاست که نقوشی با تصویر مار، در تمدن‌های کهن گسترش یافته است (الیاده، ۱۳۷۶: ۲۰۷-۲۰۴). علاوه بر این، «ظهور مار در هر بهار همراه با نوزایی سبزه‌ها و گیاهان، موجب این تصور شده بود که مار با نیروهای محبوس در دل زمین همچون اعماق آب نیز پیوند و هم‌بستگی داشته است و از این طریق، بر نقش او به‌عنوان عامل باروری تأکید می‌شد» (دوبوکور، ۱۳۷۳: ۵۴۹). تصویر دو مار درهم‌تنیده که از هزاره سوم پیش از میلاد، در تمدن‌هایی همچون ایران، بین‌النهرین، ترکمنستان، روسیه و چین قابل مشاهده است، نشانه‌ای از آب و باروری است (Golan, 2003: 205-206). در ایران باستان، نماد مار مانند بسیاری از تمدن‌های وابسته به کشاورزی، نشانه‌ای از آب، رود، جویبار، باروری و حاصلخیزی است. در این ارتباط، گذار

(ج) تسلط و بهره‌برداری از حیوانات: در صحنه‌های مربوط به گاو، رابطه انسان با این موجود رابطه‌ای تسلط‌گرایانه است. در بیشتر این تصاویر، پیکره انسانی سوار بر حیوان به تصویر کشیده شده است که به احتمال زیاد، رابطه مستقیمی با نقش این جانور در جوامع ابتدایی دارد. رابطه متقابل حیوانات تصویرشده در آثار جیرفت نیز غالباً سرشار از ستیز و رویارویی این جانوران است. این موضوع که در هنر بین‌النهرین نیز دیده می‌شود، در بسیاری از موارد با مهارت درخور ملاحظه‌ای کار شده است. صحنه رویارویی دو مار خشمگین، از نقوش بسیار رایج در آثار سنگی این منطقه است. در بیشتر این نقش‌ها، مارهای خشمگین با دهان‌های باز به حالت رودررو قرار گرفته‌اند و گاه پیکره‌هایشان همچون ریسمانی به هم پیچیده شده است. صحنه جدال یک عقاب با دو مار نیز از سایر موضوعات مصور شده است که گرچه به اندازه رودررویی مارها با پلنگ‌ها متداول نیست، نشان از مشاهده دقیق، توجه به جزئیات و مهارت هنری سازندگان این آثار دارد. بی‌تردید، ریزبینی، ژرف‌نگری و شناخت طراحان جانوران جیرفت توانسته است الهام‌بخش آنان برای طراحی تصاویری از این دست باشد.

بخش دیگری از این تقابل‌ها را نیز جدال بین موجودات ترکیبی با دیگر حیوانات تشکیل می‌دهد. به نظر می‌رسد تأکید بر قدرت و توانایی انسان‌های ترکیبی در غلبه بر جانورانی که بیشتر خوی وحشی‌گری دارند، در این تصاویر مدنظر بوده است. تصاویری همچون جدال انسان- گاو با پلنگ، پلنگ- انسان با پلنگ، انسان- شیر با انسان- عقرب،



تصویر ۴. دو عقرب-انسان با دو شاخ رو در روی هم.
ماخذ: (مجیدزاده، ۱۳۸۲: ۱۲۶).

ایران و ایلام مطابق است با نشان‌های مشهور سلسله‌های اولیه شهرهای سومر و شوش. هریک از این نشان‌ها عبارت بودند از عقابی با بال‌های گشاده که یک جفت جاندار را در زیر چنگال‌های خود گرفته است (هرتسفلد، ۱۳۸۱: ۸۴-۸۳). عقاب در بین‌النهرین و مصر باستان نیز حائز اهمیت بوده است.

«در هزاره سوم پیش از میلاد، عقاب دوسر با لاگاش، ایزد بابلی باروری، توفان و جنگ مرتبط بوده است. علاوه بر آن، پرواز عقاب در ابرها می‌توانست با توفان سهمگین نیز مرتبط بوده باشد. عقاب دوسر را قوم حتی و فرهنگ‌های متأخر در طول سده‌های متمادی نیز اقتباس کرده‌اند» (وارنر، ۱۳۸۶: ۵۱۴).

طبیعی است دیدن عقابی که یک مار را در میان چنگال‌هایش گرفته است، در مناطقی که این نوع پرنده زندگی می‌کند، چندان غیرعادی نیست. در دوران باستان، نزاع بین پرنده‌ای که در هوا خیز بر می‌دارد و خزنده‌ای که به حفره‌های زیر زمین می‌خزد، نظاره‌گران را تحت تأثیر قرار می‌داد و بیانگر جنگ نیروهای متخاصم جهان به شمار می‌رفت (وارنر، ۱۳۸۶: ۵۱۴).

۴.۴.۲. پلنگ

پلنگ حیوان رمزآمیزی است و این خصوصیت با شیوه زیست تنها و منزوی او بیشتر نمایانده می‌شود (Hodder, 2006: 11). او در تمدن‌های گوناگون دارای مفاهیمی همچون درنده‌خویی، سرعت، بی‌پروایی و تهور است (Cirlot, 2002: 181). «از آن جایی که خال‌های روی بدن پلنگ به چشم شباهت دارد، به نگهبان بزرگ نیز معروف شده است» (کوپر، ۱۳۸۰: ۷۵).



تصویر ۳. موجود انسانی در حال تغذیه گاو کوهان‌دار.
ماخذ: (مجیدزاده، ۱۳۸۲: ۴۷)

از آثار منقوشی در لرستان یاد می‌کند که به جای دو باریکه ریزان آب، تصویر موج دو مار بر روی آن‌ها نقش بسته است (گدار، ۱۳۸۵: ۴۳).

۲.۴.۲. شیر

شیر در باورها و اساطیر ملل جایگاه خاصی دارد و در هنر و فرهنگ بسیاری از ملت‌ها، به‌عنوان سمبل آتش، پارسایی، پرتو خورشید، پیروزی، دلاوری، روح زندگی، درندگی، سلطنت، شجاعت، عقل، غرور، قدرت، قدرت الهی، قدرت نفس، مراقبت و مواظبت شناخته شده است (یاحق، ۱۳۸۶: ۵۳۰). شیرها نگهبانان نمادین پرستشگاه‌ها و قصرها بودند. پیداشدن شیر در هنر مصر، بین‌النهرین و ایران باستان نشان می‌دهد که این حیوان روزگاری در این مناطق می‌زیسته است (هال، ۱۳۸۰: ۶۱). قدیمی‌ترین نمونه‌های به‌دست‌آمده از پیکره‌های این جانور، از گِل یا مفرغ یا سنگ (ظروف کلریتی جیرفت) در اوایل هزاره سوم پیش از میلاد ساخته شده است. شیر مرکب ایشتار، الهه آکدی بود. این الهه را آشور بانیپال (۶۶۸ - ۶۳۱ ق. م) که شیر-شکار مشهوری بود، به‌طور ویژه می‌پرستید. تصویر قهرمانی آسمانی که بسیار معمول بوده و دو شیر را در دست دارد، برای نخستین بار بر روی مهرهای استوانه‌ای شکل قدیمی و بر روی ظروف معابد دیده شد. در دوره نواشوری، پیاله‌های سفالی با پایه‌هایی که به شکل سر شیر یا قوچ بوده‌اند، جام‌های عیش‌ونوش به شمار می‌رفتند (بلک و گرین، ۱۳۸۳: ۱۹۶).

۳.۴.۲. عقاب

عقاب در اساطیر هندوایرانی نقش مهمی داشته است. تصویر عقاب در حال پرواز با بال‌های گشاده بر روی بدنه گلدان‌های سفالی به‌دست‌آمده از بروجرد دیده می‌شود. این گلدان به اواخر دوره شوش دو تعلق دارد. عقاب درفشی

ولگرد و رمنده تلقی شده که گویا به اجساد و مردارها گرایش دارد. روباه از دیرباز رمز و نماد حيله‌گری و شایادی شناخته شده است. این نسبت ویژه روباه، برساخته شرق بوده و از آنجا به غرب و سایر ملل منعکس شده است (عبداللهی، ۱۳۸۱: ۳۹۳).

۲.۴.۸. بز

بز، خصوصاً بز کوهی، از جانوران ملی ایران است که تصویر آن به شکل‌های واقع‌گرایانه، انتزاعی و نمادین بر بسیاری از اشیای ماقبل تاریخی اعم از ظروف سفالی، سنگی و بر روی مهرها نقش گردیده است. معصومی، بز را یکی از عناصر مفید طبیعت نزد اقوام باستانی ایران می‌داند. حیوان، خورشید و مظهري از باران تلقی می‌شد. در شوش و ایلام، بز کوهی مظهر فراوانی و رب‌النوع رویدنی‌ها خوانده می‌شد (معصومی، ۱۳۴۹: ۱۸۳). از معدود متن‌های غیردینی به زبان پهلوی، منظومه درخت آسوریک است که مناظرهای میان بز و درخت خرما است. این منظومه را شاید بتوان از اولین گونه‌های «قابل» به حساب آورد؛ زیرا بز در آن به‌عنوان یکی از طرفین گفت‌وگو وارد ماجرا می‌شود و به دفاع از مواضع و مفاخر خود بر می‌خیزد و سرانجام، با رضایت خاطر و پیروزی، داستان را به پایان می‌رساند. نکته درخور توجه در این داستان، آن است که بز ضمن برشمردن مزایای خود، به بخش عمده‌ای از مصارف و کاربرد و شیوه استفاده و بهره‌وری مردم باستان از بز اشاره می‌کند (عبداللهی، ۱۳۸۱: ۱۴۹). بزهای تصویر شده بر روی ظروف سنگی جیرفت، علاوه بر بیان طبیعت منطقه و احتمالاً فراوانی آن در این مکان، تصویر آن در کنار درخت که خود نمادی از زندگی محسوب می‌شود، در ارتباط با آب، باروری و رویدنی‌ها بوده است.

۲.۴.۹. قوچ

قوچ از حیواناتی است که در خاورمیانه، یونان و مصر باستان پرستیده می‌شد. تصاویر قوچ از هزاره سوم قبل از میلاد، در پرستشگاه مادر-الهه‌ای سومری و در گورهای سلطنتی در اور، حدود ۲۵۰۰ پیش از میلاد یافت شده است که عسای سلطنتی با دسته‌ای به شکل سر قوچ، صنعت ویژه انکی، خدای آب تازه در نزد سومریان بود. مصر چندین قوچ-خدا داشت که هریک از آنان دارای پرستشگاه ویژه خود بود. احتمالاً قدیمی‌ترین آن‌ها خونم نام داشت؛ آفریننده‌ای که او را با سر قوچ تصویر می‌کردند و تندیس انسانی را بر چرخ کوزه‌گران می‌ساخت. آمون، بالاترین خدای مصری، کاملاً به

۲.۴.۵. کرکس

یاحقی درباره کرکس نوشته است: «پرنده‌ای تیزبین و دورپرواز است که به طول عمر شهرت دارد و در زبان فارسی به نام‌های لاشخور، مردارخوار، مرغ مردارخوار و در عربی نَسر نیز خوانده شده است. به‌موجب روایات کهن، در قضیه پرواز به آسمان‌ها با گردونه یا تخت که به‌صورت‌های تقریباً مشابه، به کاووس و نمرود و سلیمان و فرزندان نوح نسبت داده‌اند، کرکس نقش عمده‌ای در بردن تخت به آسمان داشته است» (یاحقی، ۱۳۸۶: ۶۶۶). «در نظام تصویرنگار مصریان، نشانه کرکس همانند خط موج‌داری است که علامت آب و به معنای انگاره مادر است» (سِرلو، ۱۳۸۹: ۶۱۸). «در هنر مصری، کرکس اغلب به‌عنوان قدرت مادران آسمانی تفسیر می‌شود، او جسد را تحلیل می‌برد و دوباره زندگی می‌بخشد و نماد حلقه مرگ و زندگی در یک استحاله دائمی است» (شوالیه و گریان، ۱۳۸۵: ۵۴۳).

۲.۴.۶. کژدم

چنان‌که از شواهد باقی‌مانده بر می‌آید، کژدم علاوه بر ایران، در سایر تمدن‌های باستانی از جمله بین‌النهرین، مصر و سومر نیز دارای اهمیت بود. «در بین‌النهرین کژدم-خدایان، در آغاز نوعی پیوستگی خورشیدی به‌عنوان نگهبانان «جایگاه برآمدن خورشید داشتند. آن‌ها در آغاز، بر روی مهرهای استوانه‌ای نشان داده می‌شدند (نیمه اول هزاره سوم پیش از میلاد). بعدها در تندیس‌های آشوری آن‌ها را به‌صورتی نشان می‌دادند که بخشی از آن‌ها به‌صورت بدن انسان بود و نگهبانان پرستشگاه‌ها و خدایان مقیم در آن پرستشگاه‌ها به شمار می‌آمدند» (هال، ۱۳۸۰: ۸۳-۸۲). در سومر باستان، کژدم‌ها یا مردان کژدم‌نما، نگهبانان دروازه خورشید بودند و هنگامی که گیل گمش در جست‌وجوهای خود برای یافتن آب حیات به کوهی رسید که نگهبان طلوع و غروب خورشید است، بر دروازه‌های این کوه، عقرب‌هایی نیمی انسان و نیمی اژدها به نگهبانی ایستاده بودند (کوپر، ۱۳۸۰: ۲۹۱). مصریان باستان یک «کژدم-الهه» به نام سلکت داشتند. این الهه دارای شکل آدمی بود و تاجی از کژدم بر سر داشت که دم آن بالا و گویی در حال نیش‌زدن بود. تعویذهای کژدم، مصریان را در برابر نیش‌های زهرآلود حفاظت می‌کرد. در آیین زرتشت نیز کژدم‌ها جزو کارگزاران اهریمن، فرمانروای تاریکی و بدی به شمار می‌آمدند (بلک، گرین، ۱۳۸۳: ۸۳).

۲.۴.۷. روباه

در اوستا به‌جز یک مورد، روباه به صفت «تندرو» موصوف شده است. در دو مورد دیگر، روباه به‌عنوان حیوانی معمولی،

علاوه بر گاو نر، در بسیاری از ادیان باستانی، ماده گاو به‌عنوان سرچشمهٔ لقاح و آبستنی، پس از ورزا (گاو نر)، مقام دوم را در قدرت زایایی به دست آورده است. از این رو، ماده گاو را نیز همچون وزرامی پرستیدند (وارنر، ۱۳۸۶: ۵۰۹).

۲.۴.۱۱. موجودات ترکیبی

موجودات دورگه که در طبیعت بسیار نادر هستند، در هنر، موضوعی عادی به شمار می‌روند. بسیاری از این موجودات ترکیبی، دارای یک عنصر انسانی مانند سر با تنهٔ حیوان و گاه برعکس بوده و انعکاس‌هایی دوردست از جهان قبل از تاریخ به شمار می‌روند؛ یعنی دورانی که میان بشر و حیوان یگانگی نزدیکی وجود داشت. اعضای هر قبیله احساس می‌کردند که با حیوان توتمی خود یکی هستند (هال، ۱۳۸۰: ۱۰۷).

از نقوش تکرار شده در آثار سنگی حوزهٔ هلیل‌رود، انگارهٔ «انسان- جانور» است و همان‌طور که پیش از این نیز گفته شد، به صورت‌های «انسان- عقرب»، «انسان- گاو»، «انسان- شیر» و... قابل شناسایی هستند. این موضوع که در اساطیر و تمدن‌های اولیه بشری نیز به‌کرات دیده می‌شود، بیان‌کنندهٔ این امر است که در نگاه اقوام پیشین، انسان، ترکیب یا هم‌نهادی از جهان است؛ به‌طوری که بر اساس بسیاری از اساطیر، شباهت‌ها و ارتباط‌های درخور توجهی میان عناصر تشکیل‌دهندهٔ انسان و عناصر متشکلهٔ کائنات وجود دارد. از سوی دیگر، تصاویر ترکیبی «انسان- جانور» بیان‌کنندهٔ برخی از اعتقادات مردم باستان دربارهٔ خداوند است. به‌طور آنان، خداوند موجودی شبیه انسان و در عین حال، متفاوت با او و دارای قدرتی به‌مراتب والاتر از او است. آنان برای تجسم باور خود، خداوند یا موجودات ماورایی را با تصاویر «انسان- جانور» نشان می‌دادند (صرفی، ۱۳۸۳: ۷۰).

شکل قوچ بود و به‌وسیلهٔ شاخ‌های متمایل به پایین مشخص می‌شد (هال، ۱۳۸۰: ۷۹).

همچنین قوچ نماد قوای مردانه، انرژی‌آفریننده و نیروی محافظ بود. به همین دلیل، همراهی‌اش با ایزدان خورشید «آسمان» مفهوم تجدید انرژی خورشیدی است. قوچ در منطقهٔ البروج (جدی)، مظهر تجدید نیروی شمسی بهار در هر سال است. شاخ‌های پیچیدهٔ قوچ نماد تندر بود و هم با ایزدان خورشید و هم با ایزد بانوان ماه در ارتباط است (کوپر، ۱۳۸۰: ۲۸۲).

۲.۴.۱۰. گاو

منابع باقی‌مانده از دوران باستان، نشان از اهمیت گاو در این دوران دارد؛ چنان‌که از روایات مربوط به آفرینش در ایران کهن بر می‌آید، پنجمین مرحلهٔ آفرینش در خلقت عالم حیوانات، آفرینش گاو بود. همان‌طور که در مورد خلقت گیاهان، در اساطیر سخن از درخت «همه‌تخم» است که همهٔ گیاهان از آن به وجود آمده‌اند، در مورد حیوانات هم اعتقاد بر این بود که گاوی به نام «اوگدات» تخم تمام چهارپایان و حتی برخی گیاهان سودمند را با خود دارد (یاحقی، ۱۳۸۶: ۶۹۱-۶۹۰). همچنین گاو نر مظهر حاصلخیزی، قدرت، سلطنت و شاه به شمار می‌رفت؛ اما، نماد زمین و نیروی مرطوب طبیعت نیز بود. نعرهٔ گاو نیز نشان‌دهندهٔ باران و باروری است. قدیمی‌ترین اسناد به‌دست‌آمده حاکی از آن است که ایزدان آسمان و وضع هوا به شکل گاو نر ظاهر می‌شدند. نماد گاو نر در همهٔ ادیان سومری و سامی مشترک است. «گاو- مرد» معمولاً نگهبانی است که از مرکز یا گنج یا دروازه‌ای حفاظت می‌کند و دافع شر است. سر گاو نر، یعنی مهم‌ترین بخش گاو که نیروی حیاتی در آن است، به مفهوم قربانی و مرگ است. کشتن گاو نر در سال نو، مظهر مرگ زمستان و تولید نیروی حیات‌آفریننده است (کوپر، ۱۳۸۰: ۳۰۱).

نتیجه

بر مبنای شیوهٔ تصویرگری نقوش جانوری و جانوران ترکیبی انسان‌ها و جانوران در سه سطح دیده می‌شود: ۱. ستیز و مقابله؛ ۲. حمایت‌گرایی؛ ۳. تسلط و بهره‌برداری. سطح اول بیشتر در مورد حیوانات وحشی مصداق دارد و سطح‌های ۲ و ۳ مربوط به رابطهٔ انسان‌ها با جانوران اهلی است. در ترسیم حیوانات وحشی و اهلی، واقع‌گرایی درخور ملاحظه‌ای دیده می‌شود که نشان از مشاهدهٔ دقیق، توجه

بررسی شیوهٔ تصویرگری نقوش جانوری و جانوران ترکیبی در آثار جیرفت، نشان از اهمیت این موجودات در زندگی مردم جیرفت دارد. به نظر می‌رسد باورهای مسلط در جامعهٔ باستانی همچون تقدس جانوران و نقش آن‌ها در زندگی انسان‌ها، در شکل‌گیری این آثار اهمیت اساسی داشته‌اند. حیوانات وحشی، حیوانات اهلی و جانوران ترکیبی، سه شکل عمده از تصاویر حیوانات در این تمدن هستند.

است، نوعی تخیل خلاق را به نمایش می‌گذارد؛ تخیلی که سبب شکل‌گیری تصاویری شده است که می‌توان آن‌ها را نتیجه باورهای فکری مردم این سرزمین دانست و باورهایی جادویی که معمولاً با تمرکز بر نیروهای جسمانی این جانوران، به شکل نمادین نقش شده است و نمایشی خلاق از تسخیر قدرت‌های این جانوران را به نمایش می‌گذارد.

به جزئیات و مهارت هنری سازندگان این آثار دارد. این واقع‌گرایی به حدی است که آن را می‌توان نتیجه مشاهده دقیق هنرمندان جیرفت دانست که حکایت از وجود این جانوران در محیط طبیعی سرزمین جیرفت دارد. با اینکه تصویرگری حیوانات با دقتی ژرف صورت گرفته است، تصاویر جانوران ترکیبی که محصول تلفیق انسان با یک جانور معمولاً وحشی یا دو حیوان مختلف با یکدیگر

منابع

۱. الیاده، میرچا (۱۳۷۶)، رساله در تاریخ ادیان، ترجمه: جلال ستاری، سروش، تهران.
۲. بلک، جرمی؛ گرین، آنتونی (۱۳۸۳)، فرهنگنامه خدایان، دیوان و نمادهای بین‌النهرین باستان، ترجمه: پیمان متین، امیرکبیر، تهران.
۳. پرو، ژان (۱۳۸۷)، تصویرشناسی جیرفت، نشر سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمان، کرمان.
۴. پرو، ژان (۱۳۸۶)، نگاهی به نقوش بازمونده از جیرفت، مجله آینه خیال، شماره ۲، آذرماه ص ۷۴.
۵. پیتمن، هالی (۱۳۹۲)، هنر عصر مفرغ در ایران: فصل جدیدی از کنار صندل، مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار متن، تهران.
۶. پیران، صدیقه؛ حصاری، مرتضی (۱۳۸۴)، اشیا هنری- ایران باستان‌شناسی- نمایشگاهها، فرهنگ حاشیه هلیل‌رود و جیرفت، کاتالوگ نمایشگاه گزیده‌های از اشیای استرداد ۱۳۸۴، موزه ملی ایران، تهران.
۷. دوبوکور، مونیگ (۱۳۷۳)، رمزهای زنده جان، ترجمه: جلال ستاری، نشر مرکز، تهران.
۸. رفیع‌فر، جلال‌الدین (۱۳۸۶)، «فن‌آوری ساخت اشیاء در جیرفت»، آینه خیال، فرهنگستان هنر، شماره ۲، صص ۴۶-۴۷.
۹. سِرلو، خوان ادواردو (۱۳۸۹)، فرهنگ نمادها، ترجمه: مهرانگیزاوحدی، انتشارات دستان، تهران.
۱۰. شوالیه، ژان و گریبان، آلن (۱۳۸۵)، فرهنگ نمادها، ترجمه: سودابه فضایی، ج چهارم، انتشارات جیحون، تهران.
۱۱. صفا، عزیزالله (۱۳۹۰)، تاریخ جیرفت و کهنوج، انتشارات مرکز کرمان‌شناسی، چاپ دوم، کرمان.
۱۲. صرفی، محمدرضا (۱۳۸۳)، چکیده مقالات همایش شناخت و معرفی تمدن حوزه هلیل‌رود، نشر مرکز کرمان‌شناسی، کرمان.
۱۳. عبداللهی، منیژه (۱۳۸۱)، فرهنگنامه جانوران در ادب پارسی (بر پایه واژه‌شناسی، اساطیر، باورها، زیبایی‌شناسی و ...)، انتشارات پژوهنده، تهران.
۱۴. کاوینگتون، ریچارد (۱۳۸۶)، «جیرفت چه بود؟»، ترجمه: آذین خشنود شریعتی، آینه خیال، فرهنگستان هنر، سال ۱، شماره ۲، صص ۳۶-۲۱.
۱۵. کوپر، جی. سی (۱۳۸۰)، فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ترجمه: ملیحه کرباسیان، نشر فرشاد، تهران.
۱۶. گدار، آندره (۱۳۸۵)، هنر ایران، ترجمه: بهروز حبیبی، دانشگاه ملی ایران، تهران.
۱۷. مجیدزاده، یوسف و سرلک، سیامک (۱۳۸۱)، حفريات باستان‌شناسی فراگیر در کنار هلیل‌رود جیرفت کرمان، اداره میراث فرهنگی استان کرمان، کرمان.
۱۸. مجید زاده، یوسف (۱۳۸۲)، جیرفت کهن‌ترین تمدن شرق، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، تهران.
۱۹. معصومی، غلامرضا (۱۳۴۹)، نقش بز کوهی بر روی سفالهای پیش از تاریخ ایران، مجله بررسی‌های تاریخی، سال پنجم، شماره ۳، مرداد و شهریور، ص ۱۸۳.
۲۰. وارنر، ریکس (۱۳۸۶)، دانش‌نامه اساطیر جهان، ابو القاسم اسماعیل‌پور، اسطوره، تهران.
۲۱. هرتسفلد، ارنست (۱۳۸۱)، ایران در شرق باستان، مترجم: همایون صنعتی‌زاده کرمانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و دانشگاه شهید باهنر کرمان، تهران.
۲۲. هال، جیمز (۱۳۸۰)، فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب، ترجمه: رقیه بهزادی، نشر فرهنگ معاصر، تهران.
۲۳. یا حقی، محمدجعفر (۱۳۸۶)، فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی، انتشارات فرهنگ معاصر، تهران.
24. Cirlot, Y. E (2002), *A dictionary of symbols*, Forward by Herbert Read, second edition, Routledge, London.
25. Golan, Ariel, (2003), *Prehistoric religion- Mythology-Symbolism*, Jerusalem.
26. Hodder, Ian, (2006), *The Leopard tale, revealing the mysteries of turkeys ancient town*, Thames & Hudson, London.
27. Tresidder, Jack, (1998), *Dictionary of symbols: an illustrated guide to traditional images, icons and emblems*, Chronic books. UK.